



بقیع العَرَقَد (جَنَّة البقیع / بقیع) ، نخستین و کهنترین گورستان اسلامی مدینه ، این کلمه ، نخست بر قطعه زمینی اطلاق می شد که در اصل نوعی گیاه تیغ دار به نام «غرقد» آن را پوشانده بود. سپس آن را از خارها پاک کردند و به دفن مسلمانانی که در مدینه درمی گذشتند اختصاص دادند. چندین «بقیع» دیگر از همین نوع در مدینه وجود داشت ، اما آن که گورستان شد، در منتهی الیه جنوب شرقی این شهر نزدیک حرم حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و بیرون باروی شهر که اینک ویران است قرار دارد. یکی از دروازه های شهر که همان باب البقیع باشد به جانب این گورستان باز می شود (رجوع کنید به نقشه مدینه که کاپتانی در < سالنامه اسلام > ، ج 2، ص 173 انتشار داده است) (در سالهای اخیر بر اثر گسترش شهر، بقیع در داخل شهر قرار گرفته و محوطه مسجد نبوی توسعه یافته و مسجد و قبرستان با خیابانی از هم جدا می شوند.) نخستین کس از مهاجرین که در آن به خاک سپرده شد، عثمان بن مظعون ، صحابی پیغمبر بود که در سال دوم هجرت وفات یافت . [ولی به نوشته ابن عبدالبرّ (ج 1، ص 81)، بین مهاجران و انصار در این باره اختلاف بوده و انصار اولین مدفون در بقیع را اسعد * بن زراره ، از اصحاب بیعت عقبه * اولی ' و ثانیه و متوفی پیش از غزوة بدر، می دانسته اند. همچنین آخرین صحابی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را که در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد، سهل بن سعد ساعدی ، متوفای 91 می دانند. گویا هر یک از قبایل مدینه بخشی از این زمین را به خود اختصاص دادند، همچنانکه در زمانهای بعدی قسمت پیرامون قبور امامان شیعه علیهم السلام بیشتر در اختیار شیعیان و بقیه قبرستان به پیروان سایر مذاهب اسلامی اختصاص داشته است .

البته در منطقه اصلی قبرستان ، که محل دفن بزرگان صحابه و امامان اهل بیت بوده ، دفن مردگان انجام نمی شود. [دختران حضرت رسول ، پسر نوزادش ابراهیم ، همسرانش (امهات المؤمنین) و نیز بازماندگانش همه ، به استثنای امام حسین علیه السلام ، در آنجا مدفون اند. اما محل دقیق قبر فاطمه زهرا علیها السلام نیز مورد گفتگوست . (مسعودی به مناسبت یادکرد وفات امام صادق علیه السلام ، به سنگ مرمری که بر روی آن نام حضرت زهرا علیها السلام و چهار تن از امامان شیعه نوشته شده بوده است ، اشاره می کند (ج 3، ص 297).) . از جمله صحابه و تابعین که در آنجا مدفون اند، این کسان را می توان نام برد: جعفر بن ابی طالب ، برادرش عقیل ، عثمان بن عفان ، مالک بن انس و استادش نافع ، حلیمه سعديه - دایه پیغمبر - و عباس عموی آن حضرت . کم کم ، دفن شدن ، در آن گورستان میان اهل بیت و ائمه و مقدسین مایه شرف و افتخار گردید (در کتب سیره آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در یکی از آخرین شبهای زندگی به بقیع رفتند و برای مدفونان در آن استغفار کردند (حلی ، ج 3، ص 343). شاید این اقدام رسول خدا - که به گفته خودشان از طرف خدا به آن مأمور بودند - در این گرایش مؤثر بوده باشد.) .

روی مقبره اعیان و فیات ، گنبدها و بارگاههای بزرگی ساختند، مثلاً گنبد مقبره امام حسن علیه السلام و عباس ،

بنا به قول ابن جبیر، بسیار مرتفع بود. [ابن بطوطه (ج 1، ص 128) در نیمه اول قرن هشتم ، بقیع را چنین دیده است :قبر مالک بن انس با گنبدی کوچک ، قبر ابراهیم با گنبدی سپید، مقبره ای متعلق به همسران پیغمبر، مقبره عباس و امام حسن علیهما السلام با گنبدی بلند و محکم ، قبر خلیفه سوم با گنبدی بزرگ و قبر فاطمه بنت اسد در نزدیکی آن . صَقَدی (ج 4، ص 103، ج 11، ص 127) اشاره کرده که مدفن چهار امام شیعه و عباس عموی پیامبر اکرم دارای گنبد بوده است . فرهاد میرزا قاجار در 1293 (ص 170، 173، 190) و مجدحسین خان فراهانی در 1303 (ص 228-234) بقیع را چنین وصف کرده اند: بقعه ای پیرامون قبور

چهار امام علیهم السلام و عباس و قبر منسوب به حضرت زهرا با یک پرده گلابتون دوز بر ضریح حضرت زهرا اهدایی سلطان احمد عثمانی در 1131، بقعه ای بر روی قبور دختران پیامبر و بقعه ای بر روی قبور همسران آن حضرت و بقعه های دیگر. [اما بورکهارت که پس از به قدرت رسیدن وهابیان از آن دیدن کرده ، ملاحظه کرده که بقیع به صورت یکی از حقیرترین گورستانهای شرق درآمده است . این گورستان مانند مقبره حمزه در اُحُد، یا نخستین مسجد اسلام در قبا که از محله های حومه شهر است ، در شمار مکانهای مقدسی است که حاجیان زیارت آنها را از اعمال عبادی می دانند.

در زمان حیات حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم ، بقیع بسیار کوچک بود، قبر عثمان بن عفان و حلیمه سعديه در درون حصار آن قرار نداشت . عثمان نخست در حَسَن کوکب مدفون بود که بعدها، بنی امیه آن را به بقیع افزودند. نیز تعدادی از کسانی که به هنگام اشغال مدینه به دست امویان کشته شدند (رجوع کنید به واقعه حَرّه *) در محدوده ای مدفون اند که آن خود خارج حصار کنونی بقیع قرار دارد. گنبدها و بناهایی که در 1221 نخستین دسته های وهابی ویران کردند، به دستور عبدالحمید دوم سلطان عثمانی مرمت گردید، اما در 1344 دوباره به دست امیرمجد حاکم مدینه و به دستور پدرش عبدالعزیز آل سعود ویران شد (پیش از این اقدام و به منظور پیشگیری از اعتراضات مسلمانان دنیا و خصوصاً شیعیان ، قاضی القضاة حکومت سعودی ، عبدالله بن سلیمان بن بلید، شخصاً به مدینه رفت و با نامه ای رسمی نظر علمای مدینه را درباره ساختن بنا بر قبور جویا شد. در پاسخ نامه ، که گفته می شود با اجبار و تهدید همراه بوده است ، به حرمت بنا بر قبور، و نیز موقوفه بودن بقیع (مستبله) اشاره شده است . در پی انتشار این پاسخ ، بقیع ویران شد که اعتراض شدید مسلمانان را در پی داشت . به نوشته سیدمحسن امین عاملی (ص 60) اقدام پادشاه سعودی علمای مذهبی و مقامات دولتی ایران را نگران کرد و هیئتی رسمی راهی حجاز شد و گزارشی از کارهای انجام شده تهیه کرد. (همچنین اضطرابات شدیدی در هند پدید آمد و هیئتی به نمایندگی از آنجا به مکه رفت تا شدیداً به این اقدام اعتراض کند. با اینهمه سلطان تسلیم خواسته های آنان نشد و هنوز هم مقابر بدون گنبد و بارگاه اند. روی قبرها سنگهایی نصب کرده اند که نه نوشته ای دارند و نه کتیبه ای . روتر که در 1305 ش ، یعنی اندکی پس از دومین غلبه وهابیان از گورستان دیدن کرده ، آن را به ویرانه های شهری تشبیه می کند که گرفتار زلزله شده است . در 1333 ش (بر اثر فشار مراجع دینی و اقدامات سیاسی) به دستور سعود بن عبدالعزیز گذرگاههایی از سیمان ساختند تا آمد و شد زائران را تسهیل کند. (در زمان فیصل بن عبدالعزیز نیز در بزرگی برای آن تهیه شد و سالها بعد سایه بانی در ضلع غربی بقیع تعبیه شد. علاوه بر آن ، چند تن از علمای اسلامی درباره ادعاهای وهابیان نسبت به تخریب قبور، و از جمله بقیع ، کتابهایی نوشتند که از آن جمله است : کشف الارتیاب نوشته سیدمحسن امین عاملی ؛ دعوی الهدی الی الدرر فی الافعال و التقوی ، نوشته مجد جواد بلاغی ، و نیز: «معجم ما لقه علماء الاسلام رداً علی الوهابیّه» در مجله تراثا ، سال چهارم ، (شوال 1409، ش 17).)

- (1) ابن بطوطه ، سفرنامه ابن بطوطه ، ترجمة مجدعلى موحد، تهران 1361 ش ؛
- (2) ابن جبیر، رحلة ابن جبیر ، چاپ دخویه ، لیدن 1907، ص 195 به بعد؛
- (3) ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب ، چاپ علی مجد بجاوی ، بیروت 1412/1992؛
- (4) ابن نجار، اخبار مدينة الرسول ، مکه 1366/1947، ص 130.127؛
- (5) محسن امین ، كشف الارتباب ، تهران 1347؛
- (6) عبدالقدوس انصاری ، آثارالمدينة المنورة ، دمشق 1353/1934؛
- (7) مجدلیب بتونى ، الرحلة الحجازية ، قاهره 1329، ص 257.256؛
- (8) علی بن ابراهیم حلبی ، السيرة الحلیة ، بیروت (بی تا.) ؛
- (9) علی بن عبدالله سمهودی ، وفاءالوفا ، قاهره 1326/1908، ص 104.78؛
- (10) خليل بن ابيک صفدی ، کتاب الوافی بالوفیات ، ویسبادن 1381 - 1408 / 1962 - 1988؛
- (11) احمدبن عبدالحمید عباسی ، عمدة الاخبار فی مدينة المختار ، دمشق 1371/1951، ص 102.93؛
- (12) عبدالحق بن سيف الدين عبدالحق دهلوی ، جذب القلوب الى ديارالمحبوب ، كانبور 1311/1893، ص 173.149؛
- (13) يوسف عبدالرزاق ، معالم دارالهجرة ، قاهره (بی تا.) ، ص 299.297؛
- (14) مجدحسين بن مهدی فراهانی ، سفرنامه ميرزاحمدحسين حسینی فراهانی ، چاپ مسعود گلزاری ، تهران 1362 ش ؛
- (15) فرهاد ميرزا قاجار، سفرنامه فرهاد ميرزا معتمدالدوله ، چاپ اسماعيل نواب صفا، تهران 1366 ش ؛
- (16) ابوبکر بن حسين مراغی ، تحقيق النصره ، مدينه 1374/1955، ص 129.123 و فهرست ؛
- (17) علی بن حسين مسعودی ، مروج الذهب و معادن الجوهر ، چاپ مجد محیی الدين عبدالحمید، قاهره 1384 - 1385 / 1964 - 1965؛
- (18) مجدبن احمد مطری ، التعريف بماآتست الحجرة من معالم دارالهجرة ، دمشق 1372/1952، ص 40.36؛
- (19) عبدالسلام ندوی ، تاريخ الحرمین الشریفین (به زبان اردو)، پندی بهاءالدين 1342/1932، ص 209، 218؛

;Burckhardt, Travels in Arabia, London 1829, □, 222-226 (20)

;R. F. Burton, Pilgrimage to el-Medinah and Meccah, London 1855, □ , 300-320 (21)

;Leone Caetani, Annali dell' Islam, Milano 1905-1926 (22)

;E. Rutter, The Holy cities of Arabia , New York 1928, □ , 256 ff (23)

;A. J. Wensinck, Mohammed en de Joden te Medina, Leiden 1908, 15 (24)

.ttingen 1860, 140 ffخstenfeld, Geschichte der Stadt Medina, GdW (25)

/ ونسینک و بزمی انصاری (د. اسلام) و (حسن طارمی) /